

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

۱۴۶ بهمن ماه ۱۳۶۷ = فوریه ۱۹۸۹ ۵۰ ریال

دوم بهمن ماه

به مه‌باد به عمر آن
پایان داده شد .
درباره "جمهوری
خود مختار مه‌باد"
تاکنون سخن بسیار گفته
شده است . دوستان و
دشمنان ، و ناظران و
محققان بیطرف و غیر -
بیطرف پیرامون شرایط
ویژه آن زمان ، دلایل و
عوامل موثر در
وجود آمدن "جمهوری"
چگونگی تشکیل و اعلام

دوم بهمن ماه هر
سال روز یاد بسود و
بزرگداشت "جمهوری
کردستان" است .
جمهوری خود مختاری که
تأسیس آن در روز دوم
بهمن ماه سال ۱۳۲۴
در میدان مرکزی "مه‌باد"
طی مراسمی اعلام
گردید . اما متأسفانه
۱۱ ماه پیش بر سر پسا
نایستاد و روز بیست و
ششم آن ماه سال بعد پا
ورود ارتش محمد رضا شاه

پیام رادپویی رفیق دکتر عبدالرحمن قاسملو

بمناسبت ۲۲ بهمن ،

سالروز پیروزی انقلاب ایران

هم میهنان گرامی !
مرد مبارز کردستان !
رفقا !

امروز ۱۰ سال از پیروزی انقلاب خلقهای ایران
می گذرد . یادآوری این انقلاب و احساس متضاد در دل
و درون ایرانیان انقلابی و آزادیخواه بوجود می آورد . از
سوی پیروزی انقلاب که نتیجه فداکاری و جانپنازی توده های
مردم سراسر ایران بود ، موجب افتخار و سربلندی هر
ایرانی دمکرات و ترقی خواه است . اما از سوی دیگر

۲

در این شماره:

- ۷ ★ فعالیت در خارج از کشور
- ۸ ★ وضعیت بهداشت در ایران
- ۹ آخوندی
- ۱۳ ★ در مورد فرمان اخیر خمینی
- ۱۴ ★ چند خبر مهم ایران و جهان
- ۱۵ ★ ادامه جنایات رژیم در کردستان
- ۲۰ ★ کمیته اجرای فرمان امام!

یادی از کنگره هشتم

یک سال پیش در دوم بهمن کارکنگره هم برای کادرها و
ماه سالروز تأسیس جمهوری پیشمرگان و اعضا حزب و هم
کردستان ، کنگره هشتم حزب برای کسانی که به همدلایل به روند
دمکرات کردستان ایران به کار مبارزاتی و فعالیت حزب ما
خود پایان داد . مروری بر علاقه ای نشان می دهند حاوی
پروژه تدارک ، انعقاد هیاتان

یک توضیح ضروری

پیرامون سند شورای انترناسیونال سوسیالیست

بدنبال انتشار سند انترناسیونال سوسیالیست در مورد سال
کرد در شماره ۱۴۴ "کردستان" عده ای از رفقای حزبی و
خوانندگان نشریه طی نامه هایی خواستار توضیحاتی بیشتر
در مورد این سند بین المللی شده اند .

۱۸

پیام زادبومی رفیق دکتر عبدالرحمن قاسملو

کارنامه کسانی که قدرت سیاسی را در دست خود قبضه کردند و به حکام کشور تبدیل شدند آنقدر سیاه و آن چنان از جنایت ها و اعمال ضد انسانی آکنده است و میهنمان را آنقدر دچار خونریزی و ویرانی و فقر و تهیدستی نموده است که از مرور آن به هر ایرانی میهن پرست احساس شرمساری و ناراحتی دست بردارد.

بلکه تاثیر بسزایی بر وضع مصف در خارج از این منطقه گذارد.

رژیم پادشاهی دارای دو جنبه ضد خلقی بسیار چشمگیر بود.

نخست : این رژیم خود را به امپریالیزم آمریکا وابسته کرده به چماق دار و ژاندارم امپریالیزم در منطقه خاورمیانه تبدیل شده بود. ایران استقلالی نداشت و تصمیمات مهم بجای تهران در واشنگتن اتخاذ می گردید. دوم : این رژیم ، رژیم استبدادی بود که با استقرار یک دیکتاتوری مدرن ، تلاش می کرد موقعیت خود را برای مدت طولانی تری حفظ نماید. انقلاب خلقهای ایران با سرنگونی رژیم محمد رضا شاه علاوه بر اینکه برای همیشه نظام پادشاهی را در ایران بگور سپرد و آن را به زباله دان تاریخ انداخت ، هم استقلال ایران را احیا کرد و هم دیکتاتوری را از بین برد و مزده آزادی را با خود به افغان آورد.

در واقع خلقهای ایران انقلابی برپا کردند که در تاریخ کم نظیر است. در حالیکه انقلاب فرانسه که اثرات فراوانی بر تاریخ بشریت گذارد و اصلاح دوستمین سالروز آن جشن گرفته شد ، با تصرف زندان باستیل از سوی مردم طی یک روز به پیروزی رسید ، و در حالیکه انقلاب اکبر با تسخیر کاخ زمستانی تزار در یک شب از سوی زحمتکشان پتروگرا در تحقق پیوست. انقلاب ایران بیش از یک سال ادامه داشت و تمامی شهرها و روستاها ، و طبقات و اقشار دیکتاتوری و خلقهای تحت ستم ایران را دربر گرفت. انقلاب ایران قبل از پیروزی تمامی جامعه ایران را در سراسر کشور به جنبش انداخته بود. گذشته از این در انقلاب فرانسه و انقلاب اکبر ، تعداد

آنها که جان باختند ، از چند صد تن تجاوز نمی کرد. در حالیکه انقلاب ایران پس از یکسال تظاهرات و برخورد های خیابانی با تحمل نزدیک به شصت هزار شهید بمپیروزی رسید. منظور این نیست که انقلاب ایران از انقلاب فرانسه که سر آغاز دوران جدیدی در تاریخ بشریت بود ، یا انقلاب اکبر که به گفته نویسندگان انقلابی آمریکا " جان رسید " جهان را لرزاند ، تاثیر بیشتری داشته است. این دو انقلاب از هر رویداد دیگری بیشتر سیمای جهان و روزگار تاریخ را در گریه می کشاند. منظور ما از این است که انقلاب ایران یک انقلاب مردمی بود که از سوی جامعه در ایران استقرار یافته است.

در ایران انتظار داشتند که حقوق ملی شان در چهارچوب خلق کرد انتظار داشتند که حقوق ملی شان در چهارچوب

یک ایران دیکرانیکی تأمین گردد. اما ما سفاک در سبیل

۲۵ سال دیکتاتوری شاهنشاهی ، نیروهای سیاسی دیکرات که راه هرگونه فعالیت علنی در میان توده های مردم بر روی آنها بسته شده بود ، نه رهبری مجرب ، نه کادر پرورش یافته ، لازم و نه امکان و توان آن را داشتند که حاکمیت سیاسی را بدست گیرند. گذشته از این متحد نبودند و اتحاد علنی هم در میان آنها وجود نداشت. این نیروها در برپا کردن انقلاب و بسیج توده های مردم علیه رژیم شاهنشاهی نقش بسزایی داشتند ، اما بهمان اندازه که در سرنگون کردن رژیم متحد و فعال بودند ، به همان نسبت در مورد ماهیت حاکمیت پس از سرنگونی رژیم اختلاف نظر داشتند و بی برنامه بودند. در برابر آخوندها در دوران رژیم پادشاهی از امکان فعالیت علنی و نیمه علنی برخوردار بودند ، رهبریشان در چهارچوب باورهای مذهبی خود دارای تجارب طولانی بود ، دهها هزار کادر داشتند که می توانستند در مساجد از احساس مذهبی توده های مردم که ضربه زدن به آن از سوی رژیم دشوار بود ، در راستای ترویج نظرات و شعارهای خود بهره برداری کنند. کادرهايشان از طلبه گرفته تا آیت الله با دیسپلین بودند و فعالانه و آشکارا نظرات خود را به میان توده های مردم می بردند. رهبری شان که بتدریج در شخص خمینی تجلی می یافت ، بروشنی می دانست چه می خواهد و قصد دارد چه



نوع حکومتی را پس از رژیم پادشاهی در ایران بر سر کسار آورد. اما از آنجا که در اوایل انقلاب شعارهایشان هنوز بخوبی در میان مردم جا نیفتاده بود، خمینی بسیار زیرکانه اهداف خود را پنهان می نمود.

خمینی و دارودسته اش در همان حال که می کوشیدند روز بروز بیشتر شعارهای اساسی انقلاب ایران را مسخ کرده و شعارهای مذهبی خودشان را بجای آنها بگذارند، با دولتهای بانفوذ بیگانه، بویژه آمریکا، بمشيوه‌های پنهانی ارتباط برقرار کرده مشغول تدارک دوران پس از رژیم پادشاهی بودند. باتوجه به علل مذکور و بعضی علل دیگر، بتدریج رهبری انقلاب از دست نیروهای دمکرات خارج شد و بدست خمینی و همفکرانش افتاد. چنان وضعی پدید آمد که نیروهای دمکرات و روشنفکران و حتی سازمانها و شخصیتهایی هم که خود را مارکسیست و یا ملی می دانستند، دنبالشرو خمینی شدند و بدین ترتیب خمینی به رهبری چون و چرای انقلاب تبدیل گردید.

در چنین شرایط و موقعیتی امری عادی بود اگر پس از پیروزی انقلاب حاکمیت بدست خمینی و دارودسته اش بیافتد که اینان در جریان چند ماه پس از پیروزی انقلاب با تأسیس ارگانهای ویژه حاکمیت خود را مستقر نمودند و رفته رفته به سرکوب یکی پس از دیگری نیروها و سازمانهای دمکرات پرداختند. سپس کار را به جایی رساندند که نه تنها هیچ نظر مغایر با نظرات واپسگرایانه خود را قبول نکنند، بلکه هیچگونه دگراندیشی را حتی اگر این اندیشه علیه آنها نیز نباشد، تحمل نمایند. بدین ترتیب يك رژیم واپسگرای استبدادی بر مبین ما حاکم گشت. انقلاب از آرمانهای خود منحرف شد و دیکتاتوری مدرن شاهنشاهی جای خود را به استبداد قرون وسطایی آخوندی سپرد. اشسری از آزادی باقی نماند، و انقلاب ایران که برای خلقهای ایران بسیار گران تمام شده بود، از بسوی آخوند ها صادره گردید و دوران سیاه و تاریکی که نتیجه آن، زندان و شکنجه و اعدام و جنگ و خونریزی و ویرانی و فلاکت و تهیدستی بود آغاز شد.

اکنون که ۱۰ سال از پیروزی انقلاب خلقهای ایران می گذرد، نگرشی بر رویداد های این مدت نشان می دهد که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها هیچکدام از اهداف و آرمانهای این انقلاب را به تحقق نرسانده، بلکه از هر نظر

مبین ما را به قهقرا کشانده و اشسری از آزادی باقی نمانده است. نیعی از ساکنان ایران که زنان هستند از هرگونه حقوق انسانی محروم شده اند و ناچارند در کج آشپزخانه و در زیر چادر سیاه به زندگی ادامه دهند.

۱. سال جنگ در کردستان و هشت سال جنگ با عراق، ایران را به ماتمکدهای وسیع و گسترده تبدیل کرده است، میلیونها کشته و زخمی و ناقص العضو، چندین میلیون آوار و بی خانمان، صدها شهر و هزاران روستای ویران، اقتصادی آشفته و شیرازه از هم پاشیده، زندگی ایسی تلخ و فارغ از شادمانی، از نتایج واقعی ۱۰ سال حاکمیت جمهوری اسلامی بشمار می روند.

رژیم خمینی که تمام نیرو و امکانات خود را به جنگ ایران و عراق اختصاص داده بود، با سرافکندگی ناچار آتش بس را قبول کرد. این رژیم در میدان سیاسی و اجتماعی و فرهنگی هیچ دستاورد چشمگیری نداشته است. بحران اقتصادی که در بیکاری، گرانی، فساد، نبود احتیاجات روزمره، زندگی و پدیده های ناهنجار فراوان دیگر خود را می نمایاند، رژیم را به گردابی انداخته است که نجات از آن اگر برایش مجال نباشد، بسیار دشوار است. از لحاظ بین المللی نیز هر چند در این اواخر سودمداران رژیم تلاش و کوشش فراوانی بعمل آورده اند تا با برخی از کشورهای غربی روابط سیاسی و اقتصادی برقرار نمایند، اما رژیم در عرصه جهانی کماکان در انزوا بسر می برد و کسی حاضر نیست نه رابطه دوستانه نزدیکی با وی برقرار نماید و نه اعتبار مالی چشمگیری در اختیار وی قرار دهد. اعدای چند ماه گذشته، که موجبات اعتراض و بیزاری مجامع و حتمس بسیاری از حکومتهای جهان را فراهم آورد، بیکبار دیگر رژیم خمینی را به عنوان يك رژیم سرکوبگر و تروریست به افکار عمومی جهان معرفی نمود.

از همه مهمتر این است که خمینی و رژیمش پایگاه سیاسی و اجتماعی خود را در میان توده های مردم ایران از دست داده اند، و بیگمان اکنون اکثر ساکنان ایران از جمهوری اسلامی و سیاستها و اعمالش به کلی متنفرند.

بی مناسبت نیست یاد آوری کنیم که حزب دمکرات کردستان ایران از همان اوایل انقلاب زودتر از دیگر سازمانهای سیاسی اپوزیسیون دریافت که آخوند ها مبین ما را بسوی چه پرتگاه مخاطره آمیزی سوق می دهند. هم از این رو سیاست

قهرمانانه پیشمرگان با پشتیبانی نوده‌های زحمتکش مردم کردستان کماکان ادامه دارد، و رژیم پیوسته تحت ضربات بسیار شدید و شکننده نظامی نیروی پیشمرک قرار دارد. به عبارت دیگر رژیم هنوز نتوانسته است با بسیج ۲۵۰ هزار فرد مسلح و استقرار ۳ هزار پایگاه نظامی، از لحاظ نظامی بر تمامی کردستان تسلط یابد. کردستان مجروح شده، خونبار و ویران گردیده، لیکن بزانو در نیامده است.

اما از لحاظ سیاسی جمهوری اسلامی در کردستان کاملاً دچار شکست شده و نتوانسته است کوچکترین پایگاه سیاسی در میان جامعه کرد برای خود کسب نماید. نوده‌های مردم کردستان اکنون هم عموماً پشتیبان حزب دمکرات و شعار پیروزمندش "دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان" هستند. کردستان سرفراز و قهوان، اکنون هم کماکان سنگر مقاوم آزادی سراسر ایران است و این هم نتیجه فداکاری مردم کردستان، دلاوری پیشمرگان و سیاست درست و انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران می باشد.

بدین ترتیب یکی از مهمترین علل تضعیف رژیم خمینی، مقاومت و ایستادگی کردستان انقلابی بوده است، و اکنون نیز کردستان همچنان ضعیف‌ترین حلقه حاکمیت آخوند هاست. گذشته از این اگر تاکنون کردستان به تنهایی میارزید، مسلحانه را پیش می برد، برخی پدیده‌های جدید نشانگر آن هستند که در بلوچستان نیز این شهوه مبارزه در حال گسترش است و امید داریم در آینده دیگر خلقهای تحت ستم ایران همچون آذری، ترکمن و عرب نیز همین راه را در پیش گیرند.

هم میهنان عزیز!

کاملاً روشن است که رژیم پس از ۱۰ سال حاکمیت نهنها تثبیت نشده است، بلکه در یک شرایط کاملاً بحرانی بسر می برد. این وضع در میان رهبران و ارکانهای بالای رژیم اختلاف و تضاد را شدت بخشیده و روزی نیست که این تضاد هایشیوه‌ای در سخنان و عملکرد هایشان بروز نمایند. واقعیت این است که سردمداران رژیم در زمینه حل هیچ یک از مشکلات اساسی کشور هم نظر و هم صدانیستند. علت این تضاد نیز در ماهیت خود رژیم خمینی نهفته است. به همین دلیل در چهارچوب این رژیم هیچ یک از مشکلات موجود حل و فصل نخواهند شد، حتی برخی از رهبران

حزب ما از یک سو حمایت از دستاوردهای انقلاب و از سوی دیگر انتقاد از حاکمیت سیاسی، و هشدار بود. در روز یازدهم اسفندماه ۱۳۵۲ یعنی تنها ۲۰ روز بعد از پیروزی کامل انقلاب، در روز اعلام فعالیت علنی حزب گفتیم که: "حفظ آزادیهای دمکراتیک و تحکیم پایه‌های یک رژیم دمکراتیک راستین در سراسر ایران، ضامن اصلی پیشرفت انقلاب و حقوق ملی خلقهای ایران است. بدون وجود یک رژیم دمکراتیک راستین، حقوق خلق کرد تأمین نخواهد شد و بدون تأمین حقوق ملی خلق کرد رژیم به معنای واقعی آن دمکراتیک نخواهد بود."

سردمداران رژیم حساس نشدند خواست روای خودمختاری کردستان را قبول کنند. به همین علت حزب ما تصمیم گرفت در فراندوم تعیین رژیم شرکت نکند و به جمهوری اسلامی رأی مثبت ندهد. بدین ترتیب از همان آغاز، کردستان انقلابی بسوی اپوزیسیون تبدیل شد. جنگهای سنج و نغده که از سوی رژیم به مردم کردستان تحمیل شدند، نشان دادند که راه حزب دمکرات و بطور کلی راه جنبش انقلابی در کردستان، که از سوی حزب ما رهبری می شد از راه جمهوری اسلامی جداست. سردمداران رژیم که این تفاوت را تحمل نمی کردند در مردادماه سال ۱۳۵۸ یک جنگ سراسری علیه مردم کردستان برآوردند. در این جنگ که به جنگ سه ماهه شهرت یافت، به علت مقاومت شجاعانه مردم کردستان و پیشمرگان و سیاست انقلابی حزب دمکرات، نیروهای مسلح رژیم با شکست روبرو شدند. یکبار دیگر بخش وسیعی از کردستان ایران آزادی خود را باز یافت و رژیم ناچار گشت خواستار گفتگو و مذاکره گردد. اما بسیار زود معلوم شد که هدف سردمداران رژیم از گفتگو و مذاکره این نیست که حقوق خودمختاری را بشابه خواست اصلی مردم کردستان بررسی بشناسند، بلکه گفتگو برای آنها تنها فرصتی است تا خود را برای جنگی دیگر علیه کردستان انقلابی آماده سازند. این بود که در نوروز سال ۱۳۵۹ یکبار دیگر نیروهای مسلح رژیم جنگی را علیه مردم کردستان آغاز نمودند که اکنون نیز ادامه دارد.

درست است که رژیم نتوانسته است پس از ۱۰ سال جنگ، از لحاظ نظامی بظواهر پیروزیهای کسب کرده و شهرها و مناطق آزاد شده را اشغال نماید، اما مقاومت

تند و افراطی سرنگون نخواهد شد . برای نیل به این مقصود يك نیروی سازمان یافته و نیرومند و پرتحرک لازم است . به همین دلیل باید از هر فرصتی جهت تشکیل يك جبهه وسیع از کلیه نیروهای دمکراتیک استفاده به عمل آید . حزب ما در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نورزیده و در آینده نیز دریغ نخواهد ورزید . حزب ما برای باور است که شرایط تشکیل چنین جبهه‌ای بندریج آمادتر می شود .

هم مینان ارجنند !

پس از ۱۰ سال حاکمیت ، سردمداران جمهوری اسلامی به بیچارگی و زبونی و درماندگی خود اعتراف می کنند . ده سال گذشته به تمامی روشن ساخته است که آخوندها نه از شیوه حکمرانی اطلاع دارند و نه قادر به حل و فصل معضلات کشور و نجات مینمان از گرداب هستند . به همین دلیل در عین حال که راه سخت و دشواری در پیش رو داریم ، افق روشنتری نماید ؛ باید تمام نیروی خود را برای زبونتر کردن دشمن بکار گیریم . پرچم مبارزه آزاد بیخش باید همچنان برفراز کوههای کردستان ایران در اهتزاز باشد . مبارزه همه جانبه تا کسب دمکراسی و خودمختاری کماکان باید ادامه یابد . هم شرایط داخلی کشور و هم اوضاع بین المللی ، جهت کسب حقوق حقه خلقمان و تأمین دمکراسی ، از سالهای گذشته آمادتر است . از این فرصت باید استفاده کامل بعمل آید . نباید غفلت کنیم و در انتظار رویدادها بنشینیم . باید مبارزه ما تاثیر کلسی بر وضع سیاسی کشور بگذارد و یکپارچه و فعال به همراه کلیه نیروهای دمکراتیک کشور در تعیین سرنوشت ایران آینده شرکت نماییم . تردیدی نیست که پیروز خواهیم شد .



جمهوری اسلامی نظیر منتظری و رفسنجانی نیز آشکارا به این امر اعتراف می کنند که جمهوری اسلامی به اهداف خود نرسیده است و طی ۱۰ سال گذشته سردمداران رژیم اشتباهات بزرگی مرتکب شده اند و زمان تغییر سیاستهای گذشته فرا رسیده است . معنی واقعی گفته این دسته از مقامات این است که رژیم جمهوری اسلامی آنچنان تضعیف شده که قادر به ادامه حکمروایی خود به شیوه گذشته نیست . اعدام هزاران نفر از زندانیان سیاسی جلوه دیگری از ضعف و دلپهره رژیم و ترس مقامات آن از آینده است . اگر آتش بس و قبول قطعنامه ۵۹۸ رژیم را تضعیف کرده است ، عدم قدرت شخص خمینی در اداره امور و خراج شدن وی از صحنه سیاسی کشور در آینده ، رژیم را باز هم بیشتر تضعیف خواهد نمود . سردمداران رژیم بوسه و راهی قرار دارند ؛ یا باید جهت حفظ و تداوم حاکمیت خویش تغییر همه جانبه‌ای در سیاستهای تاکنونی خود بعمل آورند ، یا با تداوم بخشیدن به سیاستهای گذشته مقامات سرنگونی کامل رژیمشان را فراهم سازند .

مستأسفانه در میان نیروهای اپوزیسیون ، (منتظری و اپوزیسیون دمکراتیک است که نمایندگانه نظرات بخش اعظم خلقهای ایران است ، زیرا سلطنت طلبان و مجاهدین انحصار طلب شانس پیروزی خود را از دست داده اند) سازمانی وجود ندارد که در سطح سراسری ایران توان سرنگون کردن سریع این رژیم را داشته باشد . به عبارت دیگر هرچند رژیم ضعیف است ، لیکن اپوزیسیون دمکراتیک نیز بعلاوه عدم هماهنگی نه آنقدر نیرومند است و نه آنقدر ورزیده و سازمان یافته که بتواند با يك ضربه شدید رژیم خودکامه جمهوری اسلامی را در آینده نزدیک سرنگون نماید . زیرا می دانیم که يك رژیم دیکتاتوری تنها با دادن شعارهای

بیگمان انقلاب مردم ایران که بزرگترین نیروی وابسته به امپریالیسم راد منطقه خاورمیانه از بین برد یکی از مهمترین رویداد های تاریخی کشور ما است و در عین حال در سبهای بسیار ارزنده ای برای مبارزان راه آزادی و استقلال در برداشته است . انقلاب ایران نشان داد که هرگاه ملتیی بخواند با از خود گذشتگی و اتحاد عمل و زنجیر اسارت را بگسلد هیچ نیرویی در جهان نمیتواند سد راه آن گردد و سرانجام تمام موانع راه پیروزی را از میان بر خواهد داشت .

" از مقدمه برنامه حزب دمکرات کردستان ایران "

قهرمانانه پیشمرگان با پشتیبانی توده‌های زحمتکش مردم کردستان کماکان ادامه دارد، و رژیم پیوسته تحت ضربات بسیار شدید و شکننده نظامی نیروی پیشمرک قرار دارد. عبارت دیگر رژیم هنوز نتوانسته است با بسیج ۲۵۰ هزار فرد مسلح و استقرار ۳ هزار پایگاه نظامی، از لحاظ نظام بر تمامی کردستان تسلط یابد. کردستان مجروح شده خونبار و ویران گردیده، لیکن بزانو در نیامده است.

اما از لحاظ سیاسی جمهوری اسلامی در کردستان کاملاً دچار شکست شده و نتوانسته است کوچکترین پایگاه سیاسی در میان جامعه کرد برای خود کسب نماید. توده‌های مردم کردستان اکنون هم عموماً پشتیبان حزب دمکرات و شمار پیروزمندش "دمکراسی برای ایران خود مختاری برای کردستان" هستند. کردستان سرفراز قهوان، اکنون هم کماکان سنگر مقاوم آزادی سراسر ایسرا است و این هم نتیجه فداکاری مردم کردستان، دلاوری پیشمرگان و سیاست درست و انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران می باشد.

بدین ترتیب یکی از بهترین علل تضعیف رژیم خمینی مقاومت و ایستادگی کردستان انقلابی بوده است، و اکنون نیز کردستان همچنان ضعیف ترین حلقه حاکمیت است. آخوند هاست. گذشته از این اگر تاکنون کردستان به تنهایی مبارزه مسلحانه را پیش می برد، برخی پدیده‌های جدید نشانگر آن هستند که در بلوچستان نیز این شیوه مبارزه در حال گسترش است و امید داریم در آینده دیگر خلقهای تحت ستم ایران همچون آذری، ترکمن و عرب نیاید همین راه را در پیش گیرند.

هم مینان عزیز!

کاملاً روشن است که رژیم پس از ۱۰ سال حاکمیت نفع‌ناشنیبت شده است، بلکه در یک شرایط کاملاً بحرانی رسیده می‌بود. این وضع در میان رهبران و ارگانهای بالای رژیم اختلاف و تضاد را شدت بخشیده و روزی نیست که این تضاد هابه‌شیوه‌ای در سخنان و عملکرد هایشان بروز نمایند. واقعیت این است که سردمداران رژیم در زمینه حاکمیت هیچ یک از مشکلات اساسی کشور هم نظر و هم صد انیستند. علت این تضاد نیز در ماهیت خود رژیم خمینی نهفته است. به همین دلیل در چهارچوب این رژیم هیچ یک از مشکلات

حزب ما از یک سو حمایت از دستاوردهای انقلاب و از سوی دیگر انتقاد از حاکمیت سیاسی، و هشدار بود. در روز یازدهم اسفندماه ۱۳۵۷ یعنی تنها ۲۰ روز بعد از پیروزی کامل انقلاب، در روز اعلام فعالیت علنی حزب گفتیم که: "حفظ آزادیهای دمکراتیک و تحکیم پایه‌های یک رژیم دمکراتیک راستین در سراسر ایران، ضامن اصلی پیشرفت انقلاب و حقوق ملی خلقهای ایران است. بدون وجود یک رژیم دمکراتیک راستین، حقوق خلق کرد تأمین نخواهد شد و بدون تأمین حقوق ملی خلق کرد رژیم به معنای واقعی آن دمکراتیک نخواهد بود."

سردمداران رژیم حاضر نشدند خواست روای خود مختاری کردستان را قبول کنند. به همین علت حزب ما تصمیم گرفت در فرآیند تعیین رژیم شرکت نکند و به جمهوری اسلامی رأی مثبت ندهد.

بدین ترتیب از همان آغاز، کردستان انقلابی به ایویزیسیون تبدیل شد. جنگهای سنج و نغده که از سوی رژیم به مردم کردستان تحمیل شدند، نشان دادند که راه حزب دمکرات و بطور کلی راه جنبش انقلابی در کردستان، که از سوی حزب ما رهبری می شد از راه جمهوری اسلامی جداست. سردمداران رژیم که این تفاوت را تحمل نمی کردند در مردادماه سال ۱۳۵۸ یک جنگ سراسری علیه مردم کردستان برآوردند. در این جنگ که به جنگ سه‌ماهه شهرت یافت، بیعت مقاومت شجاعانه مردم کردستان و پیشمرگان و سیاست انقلابی حزب دمکرات، نیروهای مسلح رژیم با شکست روبرو شدند. یکبار دیگر بخش وسیعی از کردستان ایران آزادی خود را باز یافت و رژیم ناچار گشت خواستار گفتگو و مذاکره گردد. اما بسیار زود معلوم شد که هدف سردمداران رژیم از گفتگو و مذاکره این نیست که حق خود مختاری را بشناید، بلکه گفتگو برای آنها تنها فرصتی است تا خود را برای جنگی دیگر علیه کردستان انقلابی آماده سازند.

این بود که در نوروز سال ۱۳۵۹ یکبار دیگر نیروهای مسلح رژیم جنگی را علیه مردم کردستان آغاز نمودند که اکنون نیز ادامه دارد.

تند و افراطی سرنگون نخواهد شد . برای نیل به این مقصود يك نیروی سازمان یافته و نیرومند و پرتحرک لازم است . به همین دلیل باید از هر فرصتی جهت تشکیل يك جبههٔ وسیع از کلیهٔ نیروهای دموکراتیک استفاده به عمل آید . حزب ما در این زمینه از هیچ کوششی دریغ نورزیده و در آینده نیز دریغ نخواهد ورزید . حزب ما بر این باور است که شرایط تشکیل چنین جبهه‌ای بتدریج آماده‌تر می‌شود .

هم میهنان ارجمنده!

پس از ۱۰ سال حاکمیت ، سرمد اوان جمهوری اسلامی به بیچارگی و زبونی و درماندگی خود اعتراف می‌کنند . ده سال گذشته به تمامی روشن ساخته است که آخوندها نه از شیوهٔ حکمرانی اطلاع دارند و نه قادر به حل و فصل معضلات کشور و نجات میهنان از گرداب هستند . به همین دلیل در عین حال که راه سخت و دشواری در پیش رو داریم ، افق روشنتری نماید ؛ باید تمام نیروی خود را برای زبوتر کردن دشمن بکار گیریم . پرچم مبارزهٔ آزاد بیخوش باید همچنان برفراز کوههای گوردستان ایران در اهتزاز باشد . مبارزهٔ همه جانبه تا کسب دموکراسی و خودمختاری کماکان باید ادامه یابد ، هم شرایط داخلی کشور و هم اوضاع بین‌المللی ، جهت کسب حقوق حقهٔ خلقمان و تأمین دموکراسی ، از سالهای گذشته آماده‌تر است . از این فرصت باید استفادهٔ کامل بعمل آید . نباید غفلت کنیم و در انتظار رویدادها بنشینیم . باید مبارزهٔ ما تأثیر کلی بر وضع سیاسی کشور بگذارد و یکپارچه و فعال به همراه کلیهٔ نیروهای دموکراتیک کشور در تمهین سرنوشت ایران آینده شرکت نماییم . تردیدی نیست که پیروز خواهیم شد .



جمهوری اسلامی نظیر منتظری و رفسنجانی نیز آشکارا به این اعتراف می‌کنند که جمهوری اسلامی به اهداف خود نرسیده است و طی ۱۰ سال گذشته سرمد اوان رژیم تباهاات بزرگی مرتکب شده‌اند و زمان تفسیر سیاستهای شته فرا رسیده است . معنی واقعی گفته این دسته از مات این است که رژیم جمهوری اسلامی آنچنان تضعیف شده که قادر به ادامهٔ حکمروایی خود به شیوهٔ گذشته است . اعدام هزاران نفر از زندانیان سیاسی جلوهٔ دیگری از ضعف و دلهرهٔ رژیم و ترس مقامات آن از آینده است . ر آتش بس و قبول قطعنامهٔ ۵۹۸ رژیم را تضعیف کرده است ، عدم قدرت شخص‌خینی در ادارهٔ امور و خراج ن وی از صحنهٔ سیاسی کشور در آینده ، رژیم را باز هم کمتر تضعیف خواهد نمود . سرمد اوان رژیم ببور دوراهی را دارند ؛ یا باید جهت حفظ و تداوم حاکمیت خویش مسیر همه جانبه‌ای در سیاستهای تاکتونی خود بعمل آید ، یا با تداوم بخشیدن به سیاستهای گذشته مات سرنگونی کامل رژیمشان را فراهم سازند .

متأسفانه در میان نیروهای اپوزیسیون ، (منظر دور زینسیون دموکراتیک است که نمایندگانه نظرات بخش اعظم قهای ایران است ، زیرا سلطنت طلبان و مجاهدین بصرار طلب شانس پیروزی خود را از دست داده‌اند) زمانی وجود ندارد که در سطح سراسری ایران توان بنگون کردن سریع این رژیم را داشته باشد . به عبارت گره‌چند رژیم ضعیف است ، لیکن اپوزیسیون دموکراتیک بعلت عدم هماهنگی نه آنقدر نیرومند است و نه آنقدر یده و سازمان یافته که بتواند با يك ضربهٔ شدید رژیم دگامهٔ جمهوری اسلامی را در آیندهٔ نزدیک سرنگون نماید . ای دانیم که يك رژیم دیکتاتوری تنها با دادن شواهای

بیگمان انقلاب مردم ایران که بزرگترین نیروی وابسته به امپریالیسم راد منطقهٔ خاورمیانه از بین برد یکی از مهمترین رویداد های تاریخی کشور ما است و در عین حال در سهای بسیار ارزنده ای برای مبارزان راه آزادی و استقلال در برداشته است . انقلاب ایران نشان داد که هرگاه ملتیی بخواهد با از خود گذشتگی و اتحاد عمل و زنجیر اسارت را بگسلد هیچ نیرویی در جهان نمیتواند سد راه آن گردد و سرانجام تمام موانع راه پیروزی را از میان بر خواهد داشت .

" از مقدمهٔ برنامهٔ حزب دموکرات گوردستان ایران "

بقیه : دوم بهمن ماه

سمی، جریسان کارها
سرا انجام آن گفتارها
اشته و نوشته‌های متعدد منتشر
گردانند. همچنین اقدامات
نجام شده در این جمهوری
از جنبه‌های گوناگون مورد بحث
قرار گرفته است. اینکه چگونه
جمهوری موجب حاکم شدن یک
فضای کاملاً آزاد و دمکراتیک
گردید که مردم در آن خود را
سهم در تعیین سرنوشت،
و آزاد در اداره امور اجتماعی
و فردی خویش میدیدند، چگونه
هویت و شخصیت انسانی خود را
برای اولین بار بطور واقعی حس
کردند و مزه آن را چشیدند،
چگونه خواندن و نوشتن و تحصیل
بهمان مادری رواج پیدا کرد،
فرهنگ و ادب کردی توسعه یافت
و روشکوفائی نهاد، امکانات
سرکرتزان در امور اجتماعی
و سیاسی فراهم گردید، برروری
پرورش جوانان به‌شابه نیروی فعال
و آینده ساز سرمایه‌گذارهای
وسیع بعمل آمد، و بالاخره
چگونه مفاهیمی چون استقلال،
آزادی، دمکراسی، و شخصیت
و حقوق انسانی از شعارهایی
مجرد به واقعیاتی ملموس تغییر
حالت یافتند. تاریخ تمامی اینها
را در سینه خویش و در اوراق بجا
ماندنی ضبط و ثبت کرده است
و بهمن جهت در اینجا و در این

یاد آوری مختصر لزومی به تکرار
و توضیح و تشریح آنها نمی‌بینیم،
جز یک نکته اساسی که اشاره به
آن بویژه در شرایط کنونی شاید
بی‌مناسبت نباشد.

واقعیت آنستکه بسیاری اوقات
به تاریخ سازی و تاریخ نگاری چون
دو کار جدای از هم باید نگاه کرد
بعبارتی دیگر آنانکه تاریخ
سازند معمولاً چنان در کار خود
غرقند و شیفته عمل روزانه خویش‌اند
که کمتر به اهمیت تاریخی کار
خلاقشان و آثاری که اینکار در
دراز مدت برجای خواهد گذاشت
توجه می‌کنند. در مروری بر
اسناد زمان جمهوری کوردستان
جلوه‌های جالبی از این حقیقت
میتوان یافت:

مجله "کوردستان" که در آغاز
هر ۱۵ روز یکبار منتشر می‌شد
دومین شماره آن در روز سی‌ام
آذرماه سال ۱۳۲۴ انتشار یافته
است. اما نه در این شماره و
نه در شماره‌های بعدی خود هیچ
اشاره‌ای به رویداد مهم چهار
روز قبل از سی‌ام آذر یعنی روز
پست و ششم آذرماه ننموده است.
روزی که در آن مردم مهاباد به
"شهرمانی" آخرین نشانه
حکومت دیکتاتور و سرکوبگر پهلوی
حمله بردند و با حلیه اصلاح
افراد مستقر در آن و تأمین امنیت
شهر بوسیله خودشان نخستین

سنگ بنای "سپاه ملی" را که
بعد نام "نیروی پیشمرگ"
بخود گرفت گذاشتند. یک روز
بسیار بزرگ و پرخطر، تاریخی
برای خلق کرد، که اکنون بعنوان
"روز پیشمرگ کوردستان" نام
گذاری شده و هر ساله با شکوه
بسیار جشن گرفته میشود.

نمونه‌ای دیگر در این زمینه،
اعلام رسمی جمهوری کوردستان در
روز دوم بهمن ماه همانسال است.
نخستین شماره "روزنامه"
"کوردستان" ارکان حزب
دمکرات کوردستان هم در روز
بیستم دیماه سال ۱۳۲۴ منتشر
شد و از آن پسر هر روز یکبار
(۲ شماره در هفته) بطور مرتب
انتشار یافت. اما این روزنامه
که در واقع ارگان رسمی جمهوری
کوردستان شمرده می‌شد تنها
در شماره دهم خود کسسه
بتاریخ پانزدهم بهمن منتشر شده
است یعنی قریب دو هفته پس
از روز دوم بهمن به شرح مراسم
آن روز می‌پردازد، و جریان آن
واقعه بسیار مهم تاریخی را
بدونهای مختصر و با درج بخشی
کوتاه از سخنرانی پیسوا قاضی
محمد نقل میکند.

ولیکن آیا این اختلاف، فاصله
"تاریخ نگاری" با "تاریخ
سازی" توانسته است از تاثیر
شکرف این اقدام بی‌نظیر انقلابی
بر نسلهای آینده بکاهد،
و جنبش‌رهایی بخش خلق کرد
و مبارزه مردم کوردستان در راه
آزادی و دمکراسی در سراسر
د صفحه ۸

فعالیت در خارج از کشور

د انمارك

برپایه گزارشی که از کنگهداك بایتخت د انمارك به دستمندان رسیده روز ۲۷ ژانویه ۱۹۸۹ مصادف با ۷ بهمن ۱۳۶۷ از طرف کمیته حزب دمکرات کوردستان ایران در د انمارك مراسم با شکوئی جهت بزرگداشت خاطره تاسیس جمهوری کوردستان در د و م بهمن سال ۱۳۲۴ بسا شرکت شعار زیادی از کرد های مقیم د انمارك، هم میهنان ایرانی، د وستان حزب در د انمارك و سازمانهای سیاسی د ر کوردستان و ایران با همکاری حزب کمونیست د انمارك برگزار شد. د ر این مراسم مسوول کمیته حزب در د انمارك طی یک سخنرانی ضمن تجلیل و قدردانی از فد اکاریهای پیشمرگانان قهرمان و انقلابی کوردستان، بطور اجمالی از مبارزات آزاد بیخش مردم کوردستان در سالهای پس از جنگ د و م جهانی که موجب برقراری جمهوری کوردستان شد، سخن گفت و آنگاه طبل شکست این جمهوری را بررسی کرد.

وی در ادامه سخنانش از اوضاع کنونی مبارزه خلق کرد و مواضع و سیاستهای حزب دمکرات کوردستان ایران پس از توقف جنگ ایران و عراق سخن گفت، که با استقبال گرم شرکت

کنندگان در جشن روبرو شد. این بار نوبت به قرائت پیامها رسید. پیام سازمانها علاوه بر پیام سازمانهای سیاسی کوردستانی عبارت بودند از پیام سازمان کارگران کوردستان - کومکار - شاخه، د انمارك، پیام کمیته همبستگی با کوردستان، پیام کمیته همبستگی با حلقها، شاخه، د انمارك، پیام سازمان فدائیان خلق ایران - فدائی - و سرانجام پیام حزب کمونیست د انمارك که در آن حزب کمونیست پشتیبانی کامل خود را از مبارزه انقلابی خلق کرد برای تأمین دمکراسی و خود مختاری بهره‌بری حزب دمکرات کوردستان ایران، اعلام کرده بود.

پایان بخش مراسم مزبور یک برنامه هنری بود که در این قسمت هنرمندان گروه هنری کومکار، گروه هنری د انمارك، گروه موسیقی حلبچه، با هنرنمایی خود، شکوه و حرارت خاصی به این مراسم بخشیدند. این قسمت از برنامه نیز با استقبال پر شور شرکت کنندگان در جشن روبرو شد.

اطـرـیـش

برپایه گزارشی رسیده روز سه شنبه فوریه مصادف با ۱۴ بهمن بنا به دعوت کمیته حزب دمکرات

کوردستان ایران در اطریش مراسم جهت بزرگداشت خاطره تاسیس جمهوری کوردستان در د و م بهمن سال ۱۳۲۴ در شهر وین بایتخت اطریش برگزار شد.

این مراسم از طرف کرد های مقیم اطریش و دیگر مهمانان دعوت شده از کشورهای مجارستان، آلمان، بلژیک و فرانسه و همچنین شخصیت های سیاسی و نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی کوردستانی و ایرانی که در این جشن حضور داشتند، مورد استقبال گرم و پرشوری قرار گرفت.

در این مراسم یکی از رفقای حزبی به زبان کردی درباره جمهوری کوردستان و دستاوردهای آن، اوضاع سیاسی دوران جمهوری کوردستان و همچنین درباره مبارزه آزاد بیخش مردم کوردستان ایران در مرحله کنونی، مواضع و سیاستهای حزب پس از توقف جنگ ایران و عراق و سند مصوبه شورای انترناسیونال - سوسیالیست در مورد مساله کرد، سخن گفت. سخنان این رفیق همزمان به زبان آلمانی پخش می شد.

بخش دیگری از این مراسم به اجرای رقص، آواز و موسیقی اختصاص یافته بود. در این قسمت شوان پرور خواننده



منهور کرد و کاک رزگسار
 موزیسین نامی کرد، هنرنمایی
 کردند و با هنر خود مراسم را
 گرمی بخشیدند. همچنین اجرای
 انواع رقص کردی و پخش آواز و
 سرود کردی و موزیک امریکای
 لاتین زینت بخش برنامه بودند.
 به این مناسبت علاوه بر
 سازمانها و احزاب سیاسی
 کردستان، شمار زیادی از احزاب
 و سازمانهای ایرانی و کردستانی
 از جمله سازمان کارگران کردستان -
 کومکارت - شاحه، اطریش، مرکز
 کمیته زنان کرد در اطریش،
 انجمن دانشجویان کرد در اروپا،
 شاخه اطریش، هواداران
 سازمان آزادی کار ایران، شاخه
 اطریش، پیامهای تبریک به
 کمیته حزب در اطریش ارسال
 داشته بودند. در تمامی این
 پیامها بر روابط دوستانه میان
 حزب و این سازمانها تاکید شده
 بود.

سوئد

از سوئد هم خبر رسیده که
 روز جمعه تاریخ دهم فوریه،
 برابر با ۲۱ بهمن به همین
 مناسبت جشن باشکوهی در شهر
 گوتنبرگ از سوی کمیته حزب در
 سوئد برپا شد. در این مراسم
 پیام کمیته حزب در سوئد به
 زبانهای کردی، فارسی و سوئدی
 قرائت گردید.

در قسمت هنری جشن
 شوان پرور، گروه موسیقی درویش،
 فرهاد با بان، گروه رقص یونان،
 گروه رقص کردی ویک اپراخوان
 سوئدی با نغایش هنری خود
 مراسم را گرمی بخشیدند.
 در این مراسم علاوه بر پیام
 احزاب و سازمانهای سیاسی
 کردستانی، پیام این سازمانها و
 جمعیتها نیز قرائت گردید:
 سازمان کارگران کردستان
 کومکارت، حزب دمکراتیک مردم
 ایران، هواداران سازمان
 فدائیان خلق ایران (فدائی)،
 جمعیت فرهنگی کردستان در
 گوتنبرگ، جمعیت فرهنگی
 کردستان در یول کوینگ، انجمن
 فرهنگی خلق ترکمن در گوتنبرگ و
 انجمن فرهنگی یونانیان در
 گوتنبرگ. در این جشن بیش از
 ۶۰۰ نفر شرکت داشتند که
 بیشتر آنها سوئدی بودند.

روز شنبه ۱۱ فوریه در شهر
 استکهلم پایتخت سوئد هم به
 همین مناسبت مراسم برگزار شد.
 در این مراسم نیز پیام کمیته حزب
 در سوئد و تاریخ مختصر حزب
 خوانده شد. آنگاه برنامه هنری
 اجرا شد، که طی آن هنرمندان
 گلستان و فرهاد با بان، گروه
 موسیقی کودکان و گروه فولکلوری
 کومکارت هنرنمایی کردند و یک
 سری رقص کردی هم توسط
 جوانان کومکارت اجرا شد.
 در این مراسم پیام تبریک
 حزب و سازمانهای ایرانی و
 کردستانی قرائت گردید.

بقیه:

دوم بهمن ماه

ایران را از روند طبیعی خود
 باز دارد؟

عطرد های اصیل انقلابی
 شاید که در زمان خود آنگونه
 که شایسته و بایسته است جلوه
 ننمایند، و مبارزان واقعی راه
 عدالت اجتماعی و حقیقت
 انسانی در کرماتم تلاشها
 و کوششهای خود احتمالاً توجه
 نکنند که چه راه دراز و دشواری
 را پشت سر گذاشته، چه نامهای
 مهم و کارسازی برداشته و چه
 راه پرسنگلاخی را برای پیمودن
 از سوی نسلهای آینده هموار
 ساختهاند. اما اثر بنیاد
 گذاران حزب دمکرات و جمهوری
 کردستان، و گردانندگان آن اکنون
 پراز چهل و سه سال به راه
 پرافتداری که فرزندان آنان در
 این مدت پیموده اند و به مبارزه
 حمله آفرینی که اکنون برآه میبرند
 بنگرند چه احساسی از رضایت
 و سرفرازی با آنان دست خواهد
 داد؟

با چنین دیدی است که در چهل
 و سومین یاد بود اعلام جمهوری
 خود مختار کردستان در مهاباد
 برای که پیموده ایم با تحسین
 و افتدار، و به آینده های که بنا کنیز
 در پی تلاش امروز خواهد آمد با
 چشم پر امید و اطمینان می نگرم!



وضعیت بهداشت در ایران آخوندی

در مدت نزدیک به ده سالی که از حاکمیت جمهوری اسلامی می‌گذرد، زندگی اجتماعی - اقتصادی جامعه ما چنان درهم ریخته و متلاشی شده که سیمای کلی ایران بصورت ویرانه‌های درآمده است. اما ابعاد بهیچ ریختگی‌ها و نقصانها را طبعاً آن‌گاه بهتر می‌توان مشاهده نمود که به زوایای گوناگون این ویرانه عمومی که ایران امروز باشد جداگانه و از نزدیک توجه نماییم. در شماره قبلی "کوردستان" نظری به سه ساله بیسوادی در کشور را داشتیم و اکنون نگاهی به وضع بهداشت و درمان در کشوری می‌اندازیم که نمونه گویایی از عدالت اجتماعی و برابری مردم در استفاده از خدمات بهداشتی در رژیم فسط و عدل اسلامی است:

بنا بر آمار پزشکی منتشره در یکی از روزنامه‌های رژیم - کیهان هوایی آورده ۶۷ - عده کل پزشکان ایران ۱۵۹۴۵ نفر است که بیش از نیمی از این تعداد یعنی ۹۱۲۹ نفر در تهران و بقیه در شهرستانها بسر می‌برند. البته از این تعداد ۲۵۰۰ نفر دندانپزشک هستند. این آمار نشان می‌دهد بانوجه بجمعیت ۵۰ میلیونی ایران برای هر ۳۷۱۸ نفر یک پزشک و برای هر ۲۰۰۰ نفر یک دندانپزشک وجود دارد. درحالی که با تکیه به استاندارد سازمان بهداشت جهانی برای هر هزار نفر لااقل یک پزشک و برای هر سه هزار نفر دست کم یک دندانپزشک باید در نظر گرفته شود و برای تأمین این حد اقل در کشور ما به ۵۰ هزار پزشک و

۱۶ هزار دندانپزشک نیاز هست. اما معلوم نیست که کارگزاران رژیم با توجه به افزایش سریع جمعیت از یک سو و وضع اسفبار آموزش پزشکی و بهداشتی، علاوه مهاجرت گسترده پزشکان از کشور چگونه این خلأ را پر خواهند کرد؟ چرا که یکی از علل عمده اساسی این کمبود فاحش و آشکار پزشکان که از حداقل قابل قبول معیار سازمان بهداشت جهانی بسیار کمتر است، مهاجرت پزشکان و متخصصان ایرانی به خارج از کشور است. بطوریکه بنابه برخی از آمارها اکنون ده هزار پزشک ایرانی در کشورهای اروپایی و بیش از بیست هزار پزشک ایرانی در آمریکا به طبابت و امور درمانی مشغولند. بدیهی است که در رابطه با مهاجرت پزشکان و متخصصان ایرانی و اقامت آنها در خارج از کشور علاوه بر صایله سیاسی و قضایی خفقان آور ایران بلا دیده، ما، سطح نازل امکانات فنی و علمی و رفاهی در کشور نیز مطرح است. اما آنچه که در رقم کلی تعداد پزشکان کشور بخصوص اهمیت دارد، ساله توزیع جغرافیایی این پزشکان است. درحالی که بخش بزرگی از جمعیت کشور در روستاها و مناطق خارج از شهر زندگی می‌کنند. طبق برآورد های خود کارگزاران رژیم در تمام روستاهای کشور فقط ۲۵۰ پزشک ایرانی و ۱۲۰۰ پزشک خارجی به کار مشغولند که اگر تصامی آنها را ضمیمه روستاها فرض کنیم و تنها ۴۰٪ کل جمعیت ایران را روستائین بحساب

آوریم به حدود هر ۱۴۰۰ هزار روستا نشین یک پزشک اختصاص می‌یابد. در حالیکه این نسبت در تهران تقریباً ده میلیونی به یک نفر پزشک در مقابل ۱۵۰۰ نفری رسد. و اما در حرف اسفبار درمان در جامعه ما علاوه بر تعداد پزشکان سایر امکانات را نیز باید در نظر گرفت. بیمارستانها تخت ندارند، پرستار و روبره گرفته گادر درمانی خیره و کارآموزده ندارند. از امکانات فنی و تکنیکی تا حد زیادی بی بهره اند. برای اثبات ادعای فوق کافی است بگویم که برای تمام بیماران قلبی در ایران تنها یک بیمارستان قلب وجود دارد، که گاهی بیماران باید سالها در نوبت بمانند. عدم تکافوی دارو و داروخانه و دکتر داروساز هم بسیار حرز و محسوس است. طبق آمار موجود در سال ۶۶ - ۶۵ تعداد داروخانه‌ها در کل کشور ۳۰۷۷ باب بوده است. درحالی که تعداد دکتر داروساز ۳۲۰۰ نفر است. اما دسترسی به دارو هم خود شانس بسیاری می‌خواهد که شامل حال هر کسی نمی‌شود. اکثر داروخانه‌ها با دفترچه بیسهمه دارو نمی‌دهند، بعضی از داروها اصلاً نایاب شده است و در صورت یافتن شدن باید آن را در بازار آزاد به چندین برابر قیمت تهیه کرد. پرواضح است که مراکز درمانی خصوصی هم با گرانی سوسام آور هزینه درمان و تخت و پزشک دسترسی به این امکانات را برای اکثریت عظیم مردم

بقیه:

یادی از کنگره هشتم

د رس‌های آموزنده‌ای است. به این دلیل پسران یکسال از ختم موفقیت آمیز کنگره مروری بر تشکیل و نتایج پایانی آن را ضروری می‌دانیم.

با همه سختیها و حساس بودن شرایط مبارزه، علیرغم اینکه یکی از خونین‌ترین فصلهای جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۶ در کردستان می‌گذشت از چند ماه پیش تمامی سازمانهای حزبی عرصه جنب و جوش و فعالیت د مکرانیک تشکیلاتی به منظور انعقاد کنفرانسهای حزبی و انتخاب نمایندگان خود برای شرکت در کنگره هشتم بودند. رژیم ضد حلف جمهوری اسلامی با اطلاع بر اینکه بر اساس سنن تشکیلاتی حزب سال ۱۳۶۶ سال تشکیل کنگره حزب د مکران است به فعالیت کم نظیری دست زده بود تا بلکه با کسب آگاهی از مکان و زمان انعقاد کنگره و کنفرانسهای نری بتواند با اوارد آوردن ضربه‌هایی از تشکیل ان جلوگیری بعمل آورد. حتی یکبار هم به تصور انعقاد کنگره، مقرعای اطراف دفتر سیاسی را به شدت بمباران کرد. رویدادهای بعد از کنگره و حتی هر چند به شیوه‌ای پنهان نشستهای خارج از جلسات رسمی کنگره هم عیان ساخت که علاوه بر

رژیم حمینی بسیاری دیگر از دشمنان رنگارنگ سرفرازی و استقلال حزب د مکران کردستان ایران از درون و خارج حزب در کمین بودند تا از برای کنگره هشتم جلوگیری بعمل آورند و یا مانع موفقیت آن شوند. آنان می‌خواستند سرگانه نتوانند در جهت برعم زدن کنگره کاری بکنند، حداقل آنرا به بیراعه کشانده و بدین طریق حزب را بر لبه پرتگاهی که خود مایه وجود انهمه دشمنان گوناگون و آنهمه دسیسه‌های آشکار و پنهان، کنگره هشتم حزب د مکران کردستان ایران بودند و آنکه دشمن حتی بتواند بر زمان و مکان انعقاد آن وقوف یابد تشکیل گردید و توانست کارها و وظایف خود را در فضایی د مکرانیک به انجام برساند.

گزارش کمیته مرکزی پسران یک بررسی طولانی که شمار زیادی از اعضا کنگره بطور فعال در آن شرکت جستند به اتفاق آراء تصویب گردید، کمیسیونهای منتخب کنگره وظایف خود را به نیکی انجام دادند و گزارشهای خود را به کنگره تسلیم کردند، برخی اصلاحات لازم در برنامه و اساسنامه داخلی صورت گرفت و قطعنامه‌های کنگره با اکثریت آراء به تصویب رسید.

در هنگام انتخاب اعضا، کمیته مرکزی که طبق سنت حزب د مکران کردستان ایران آخرین بخش کار کنگره را تشکیل میدهد، برخی از اعضا، کمیته مرکزی فلبسی که بعد ها معلوم شد ماموریت برعم زدن و به انحراف بردن کنگره را برعهده گرفته‌اند بحث مفصلی راجع به شیوه انتخاب اعضا، مرکزیت حزب راه انداختند. اگرچه آنها به گونه‌ای فعالانه و حتی به شیوه‌ای دور از اخلاق سیاسی در بحثها و رای گیری در مورد اسلوب گزینش کمیته مرکزی شرکت جستند، ولی وقتیکه کنگره با اکثریت آراء شیوه انتخابات را تصویب نمود بدون آنکه کوچکترین احترامی برای نظرس اکثریت قائل گردند، شیوه گزینش را روشی غیر د مکرانیک خواندند و عده‌ای از آنان که برای عضویت در کمیته مرکزی ناامزد شده بودند کاندید اتوری خویش را پیش گرفتند و ریاکارانه اعلام کردند که چون یک پیشمرگ ساده آماده‌اند تا در هر وظیفه کاری که حزب برایشان تعیین کند به حزب و خلق خود خدمت نمایند.

شگفت این بود با اینکه رای کنگره را در مورد شیوه انتخابات قبول نداشتند، باز هم به این امید که از موفقیت لیست پیشنهادی برای عضویت کمیته مرکزی پیشگیری نمایند در انتخابات شرکت کردند و تنها بعد از انتخاب کمیته مرکزی بود که قبول کردند



روزنامه مردمی حزب دمکرات کردستان - کردستان

د سیسه‌شان برای منحرف ساختن کنگره و به شکست کشانیدن آن در هم شکسته است .

این گروه در تاریخ حزب دمکرات کردستان ایران به نام منحرف و چاشمجاغ شهرت یافتند از آنجا که از اصول حزبی و اصل سانترالیزم دمکراتیک که پایه ساختمان حزب ما بر روی آن استوار است، درکی نداشتند می‌خواستند به شیوه‌ای غیر دمکراتیک اراده خود را بر عالیترین ارگان تصمیم گیرنده حزبی یعنی کنگره تحمیل نمایند و نظر به اینکه پیشتر با سازمانهای مخالف حزب وارد معامله شده و تصمیم نهایی خود را گرفته بودند، پس از پایان کنگره همانند یک عضو صادق حزب تصمیمات کنگره را گردن نهادند و به منظور فریب دادن و دل سرد کردن کادرها و اعضاء حزب و بالاخره جدایی و انشعاب از حزب به ایجاد آشوب پرداختند .

به همین خاطر کم و بتدریج بطور آشکار و پنهان از مقررات حزب فراری شدند و سرافکننده به مخالفان و حتی دشمنان حزب پناه بردند و در این راه خون دشمنان را هم به فراموشی سپردند . اینان تا آنجا عم که از دستشان ساخته بود از سرقت اموال و اسناد حزبی نیز دریغ نکردند تا آنها را در مرکز حیانت و حزب فروشی مورد

رهبری حزب دمکرات کردستان ایران کوشش زیادی بخرج داد تا این گروه منحرف را بسه راه راست برگرداند و نگذارد ، در چنین شرایط حساسی از مبارزه حلق کرد و دستگیری و تشتت در صفوف حزب دمکرات کردستان ایران که رهبری مبارزه آزاد بیختر مردم کردستان ایران را بعهده دارد ، ایجاد گردد . اما آنها که معلوم بود حریف نهایی خود را زده و نام مقدس حزب دمکرات را در معرض فروش نهاده و پیشربهایی هم دریافت کرده‌اند ، پند دلسوزانه رهبری حزب را ناشنیده گرفتند . همچنان در کجراه خیانت بسه حزب و خلق ره سپردند .

گروه منحرف و چاشمجاغ به این هم فاعت نورزیدند و بخشی از کادرها و پیشمرگانی را که پیدا بود از قبل با آنها در تماس بوده و فریفته‌اند از مقررات حزبی بیرون کشیده و بسا خود به منجلا بخیانت و فشردن دست خونین دشمنان حزب بردند ، سرانجام در نوروز سال ۱۳۶۷ با نشر باصطلاح بیانیه‌ای جدایی خود را از حزب دمکرات کردستان ایران اعلام داشته و خود را " رهبری انقلابی "!! خواندند . از چیزهایی که در توجیه جدایی یا چون اهداف خویشرا عنوان کرده بودند ذکری بمیان نمی‌آوریم چراکه قبلا در این باره زیاد بحث شده است .

خواستار تسلیم بی‌قید و شرط حزب دمکرات به رژیم خمینی بودند مدعی شدند که بدلیل مذاکره جویی حزب از آن بریده‌اند و آنهائیکه کومهله را ضد انقلاب می‌شمردند ، یا در جنگ با کومهله حاضر بودند به پست‌ترین عمل نمود اخلاقی متوسل گردند و بهمین خاطر از طرف حزب خلع مسؤولیت می‌شدند اعلام کردند که در اعتراض به " جنگ برادرکشی " صف حزب دمکرات را ترک گفته‌اند .

انشعاب گروه منحرف پدیدهای دیگری نیز به دنبال داشت که شایان توجه‌اند . مجاهدین رجوی که از مدت‌ها پیش حواب برهم زدن حزب دمکرات را می‌دیدند و بسا سردسته‌های باند منرفین مشغول بند و بست بودند ، سرکیسه را شل کرده و امکانات مالی و تبلیغاتی خود را در جهت خدمت باین باند منحرف بکار گرفتند . بطوریکه اگر کسی بسا ریشه‌های عمیق نفوذ مردمی حزب دمکرات و تبلیغات سراسر دروغ‌گروه رجوی اشنایی نداشت فکر می‌کرد فاتحه حزب دمکرات خوانده شده است .

از سوی دیگر برخی از سازمانها و گروه‌های باصطلاح چپ که اساسا چشم دیدن نفوذ و اعتبار حزب دمکرات را ندارند سر مست از رویای متلاشی شدن حزب بر مزار خیالی آن مرتجعانه به

برای هر کاری اصولی با حزب دمکرات متحد و یکپارچه بی‌شکوفت آماده‌گی نشان ندادند اینک با اغوش باز به استقبال این گروه منحرف و فراری شتافته و برای کمک به آنها لقمه از دمان خود گرفتند .

از حق نگذریم، آنها حشوق داشتند فکر کنند با رفتن گروه منحرفین حزب دمکرات از هم پاشیده است چرا که می‌دیدند آنها نیکه با این گروه غمراه شده‌اند شمارشان به تنهایی از شمار تمامی اعضا، همه ایمن سازمانها بیشتر است که هر کدام به تنهایی خود را نمایندند چند میلیون کارگر ایران تصور می‌کنند و روزها در مقرهای کوچک خود اعمال دیکتاتوری پرولتاریا را تمرین می‌کنند . اینان چگونه می‌توانند دریابند که آنها نیکه به دنبال گروه منحرف رفته‌اند ، در مقایسه با صف بی‌پایان اعضا و عواید آن حزب دمکرات کردستان ایران چیزی شبیه خسرو خاشاکی‌اند که امواج خروشان دریا آنها را با خود به کرانه می‌راند ؟

گرچه بی‌گمان انشعاب گروه منحرف و به ویژه فریب خوردن بعضی از کادرها و پیشمرگان جوان و با استعداد زیان بزرگی برای حزب دمکرات و جنبش ملی - دمکراتیک خلق کرد در کردستان ایران به همراه داشت

و دودلی بکناری رفت و آسمان ساف و روشن کردستان درحسید . حزب دمکرات کردستان ایران امسال پیش از سالهای گذشته یکه نام میدان مبارزه عملی در راه به زانو درآوردن ارتجاع حاکم بود و پیشمرگان حزب همانند سالهای پیش بردشمن ضربه زدند و حماسه آفریدند .

در حالیکه از کسانی که در جهت تلاشی حزب راه خیانت در پیش گرفتند و کسانی که آنان را حمایت و تشویق کردند در میدان مبارزه عملی یا اثری نبود و یا اگر حرکت ناچیزی عم برای مطرح شدن از خود نشان دادند در مقابل عملیات بزرگ مسلحانه حزب چنان بی‌مقدار بود که نه انعکاسی داشت و نه آبرویی برایشان کسب نمود .

حال که پس از گذشت یکسال بر سیر رویدادها نظر می‌افکنیم و انرا با وضع امروز مقایسه می‌کنیم اشکارا درمی‌یابیم که اگر در آغاز، ترک میدان از سوی منحرفین نگرانیهای را برای دلسوزان جنبش کردستان ایجاد نکرد و دلخوشیهایی برای دشمنان کینه جو بوجود آورد، امروز دیگر ایرغای گمان و دودلی پسر نشسته است و اگر در بهار امسال خروج منشعبین از حزب در خارچاز کردستان و ایران، چگونگی پدیده‌های "نو" انعکاس بیافت اکنون دیگر منحرفین رنگ و رو ساخته بجز در میان تبلیغات گروه رجوی در هیچ بازار عطاری

راستی که رویدادهای سال گذشته عم برای آنها نیکه از روی سادگی فریب شیاد بیهای بعضی از منحرفین را خوردند و هم برای کسانی که سودای از میدان بدر کردن حزب دمکرات را در سر می‌پروراند درسهایی گرانبهایی در بردارد اگر چشمی برای دیدن و گوشه‌گری برای شنیدن وجود داشته باشد، و اگر هم نه، حزب دمکرات کردستان ایران برخودار، از پشتیبانی توده‌های وسیع مردم کردستان راه پرافتخار خویش را همچنان ادامه می‌دهد و از دروغ و تهمت حسودان پروایی ندارد .

تاریخ چهل و چهار ساله مبارزات حزب دمکرات کردستان ایران بسیاری از این قماش گروه و دستجات را به خود دیده‌است که با تحریک دشمنان سوسیالیست چنانچه‌اند و به‌ساز آنها رقصید مانند . اما به دلیل بی‌ریشه بودن در میان مردم کردستان و دور بودن از اعمال مقدس آنان بعد از اندک مدتی از بین رفته ناکامی و پشیمانی را برای حامیان آنان به‌جا گذاشته‌اند . امید داریم برخی سازمانهای دوست حزب هم که به دلیل عدم اطلاع بسیار دوری از منطقه، در باره ما عیب گزیده منحرف در چارنوعم و استبداد گشته‌اند بر رویداد گذشته نظری مجدد بیاندازند و سرنوشت گروههایی چون "فیاده موقت" و "پیروان کنگره اول" و "پیروان د رصفحه ۴

در مورد فرمان اخیر خمینی

وظیفهٔ دینی می‌شمارد، برای قاتل ایرانی این نویسندهٔ انگلیسی یک جایزهٔ بیست میلیون تومانی تعیین نموده و اگر یک غیرایرانی هم این حکم قتل را به انجام برساند یک میلیون دلار هدیه می‌گیرد. این رسم کدامین دین و مذهب است که پیروان خود را برای انجام وظایف دینی اجیر کنند. براساس خود این که امروز برای قتل سلمان رشیدی جایزهٔ بیست میلیون تومانی تعیین می‌کنند و فردا آخوندی چون امام جمعهٔ کرمان بیست میلیون تومان دیگر بر آن می‌افزاید نشانی از این واقعیت نیست که حتی خود آخوندها نسبت به حقانیت فتوای "امام" و ضمانت اجرای آن تردید دارند؟ حقیقت آنست که استان کتاب "آیات شیطانی" برای خمینی و رژیمش یکی دیگر از "موهبت‌های الهی" بود. آنان که پس از هشت سال کشتن و به کشتن دادن مسلمانان عراق و ایرانی ناچار شدند در برابر قطعنامهٔ صلح با شرمساری سرفرو آوزند و از "موهبت الهی" چنگ دست بکشند، آنان که بوسه می‌زدند و نیز بمانند میدانهای جنگ شکست خورد و دست‌آوردی نداشته‌اند و بالاخره آنهايي که در تمام عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ناکام مانده‌اند در پی بهانه‌ای بودند تا سر "امت حزب الله" را بی‌آن گرم نگه‌دارند و از این طریق عده‌ای انسان ناآگاه و متعصب را به دور خود جمع کنند. به همین خاطر سالها

عین حال رسمیت بخشیدن به تروریستی است که به مدت ده سال بصورت پنهان و نیمه آشکار از سوی این رژیم اعمال می‌شود. اگر در گذشته با سو استفاده از احساسات مذهبی بخشی از ایرانیان را نهانی به کار ترور واهی داشتند و به جان مخالفان می‌انداختند، اکنون خمینی عمل ترور را همچون یک وظیفهٔ مذهبی همهٔ مسلمانان جهان قلمداد می‌کند و فرمان ترور ساکنان کشورهای بیگانه را برای مسلمانان سر اسرار جهان صادر می‌نماید.

صرفنظر از اینکه محتوای کتاب سلمان رشیدی اهانت به اسلام و پیامبر اسلام هست یا خیر، صدور حکم اعدام از سوی خمینی نشانگر آشکار از این حقیقت می‌باشد که آخوند بزم با عقل و منطق و استدلال بیگانه است و برای پیشبرد عقاید خویش بجز از زور و اعمال فشار طریق دیگری نمی‌شناسد. اگر نه چنین بود می‌بایست با عقل و منطق و اسناد و مدارک نظرات نویسندهٔ کتاب "آیات شیطانی" رد می‌شد و می‌بایست بودن آنها برای مردم دنیا اثبات می‌گردید. در آن صورت نه آزادی بیان و مطبوعات از بین می‌رفت و نه قوانین و موازین بین‌المللی پایمال می‌گشت و نه مسلمانان صاحب عقیده و ایمان با انتشار عقایدی که فاقد پایه علمی‌اند ایمانشان به مبانی دین سست می‌شد.

عجیب این است رژیم آخوندی در حالی که کشتن سلمان رشیدی را یک

به دنبال پخش خبر انتشار کتابی بنام "آیات شیطانی" در انگلستان و آمریکا که در آن گویا به اسلام و پیامبر اسلام اهانت شده، خمینی طی "فتوای" حکم اعدام سلمان رشیدی نویسندهٔ هندی الاصل تبعهٔ انگلیس و ناشون ایسن کتاب صادر کرد. اینکه محتوای کتاب در واقع بی‌حرمتی به دین مسلمانان است یا خیر و یا اینکه نویسنده و ناشرین کتاب از نظر اسلام مستحق مجازات اعدام باشند یا نه هدف این نوشته نیست. چراکه از سوی ما هم مانند جناب امام این کتاب را ندیده‌ایم و از سوی دیگر مجتهد نیستیم تا بتوانیم حکم تکفیر کسی را صادر و یا او را تبرئه کنیم. اما صدور فرمان اخیر خمینی از دیدگاه سیاسی برخی مشکلات قابل توجهی را در بردارد که در زیر بدانها اشاره می‌کنیم.

اینکه در پی این همه انتقادات و اعتراضات افکار عمومی جهانسی و محافل بین‌المللی از موج اعدام آزادپخواهان در ایران و نبود آزادی عقیده و بیان و مطبوعات در کشور بلاردهٔ ما خمینی بطور رسمی و صریح حکم اعدام اتباع دو کشور دیگر را صادر می‌کند که هر کدام هزاران کیلومتر از ایران فاصله دارند، خود نشانی از بی‌اعتنایی به افکار عمومی جهانی و زیر پا گذاشتن کلیه موازین مورد قبول جامعهٔ بین‌المللی است. زیرا فتوای خمینی نقضها دخالتی آشکار در امور داخلی این دو کشور بحساب می‌آید، بلکه در

بقیه: در مورد فرمان ...

کتاب سلمان رشدی را در هر ...
فایده مند و این جادو جنمال تبلیغاتی
را راه انداختند .

اما از بخت بد آخوند هـ
" موهبت الهی " جدید چندان مفید
واقع نشد و آنچنان منفعتی عاید
رژیم آخوندی نساخت . زیرا همانطور
که دیدیم افکار عمومی دنیا ، دولتها و
محافل جهانی ، نویسندگان و مدافعین
حقوق و آزادیهای انسانی حتی بخش
کثیری از مسلمانان و اسلام شناسان نیز
فتوای خمینی را امری دور از عقل و
منطق شمردند و آن را محکوم
ساختند . در نتیجه رژیم در میان
کشورهای اسلامی و در سطح
بین المللی به انزوای بیشتری گشوده
شد و سیمای کربه و قانون شکنانهاش
عربانتر در معرض دید خلقهای جهان
قرار گرفت . و به این
تسرتیب هنگامی

تبلیغاتی رژیم نه تنها موفقیتی نصیب
آخوند ها نساخت بلکه آنها را با
شکست و افراض تازمتری روبرو کرد و
ماهیت ارتجاعی این رژیم را بیشتر به
جهانیان شناساند .

حال این سوال پیش می آید
اگر نویسند های چون سلمان رشدی به
خاطر توهینی که به عقاید مسلمانان
کرده از دیدگاه خمینی و دار و دسته اش
یا باید اعدام شود و یا بایستد از
مسلمانان طلب عفو کند ، چگونه است
که دست اندرکاران رژیم اعدام به
باورهای دینی ، مذهبی و سیاسی
همه مردم دنیا و حتی ۹۰٪
مسلمانان جهان اهانت روا می دارند
اما ضرورتی نمی بینند از کسی هم
پوزش بخواهند ؟

در پایان این گفتار برای مزه کلام
هم که بوده بجاست گفته شود که
موضع گیری خمینی و همفکرانش
تبلیغات خوبی برای کتاب سلمان
رشدی بود . زیرا تردیدی نیست که

بقیه: یاد از کنگر هشتم

کنگره چهارم " را در نظر
آورند تا زود تر جوهر این باند خود -
فروش را دریابند که طبق نقشه
و کمک گروه رجوی و دشمنان حزب
خلق شده اند .

بمراحت باید گفت در عین
حالی که تصدیق حزب از انسانهای
بیکاره و سود پرست و فاقد اعتقاد
و ایمان را موفقیتی به حساب
می آوریم برای برخی از جوانان
با ایمان که به علت کم آگاهی

و یا بهر دلیل دیگری در دام
منحرفین گرفتار آمده اند تا س ف
می خوریم فکر می کنیم جای ایس
کاد رها و پیسمرگان برفرا از
کوههای رفیع کردستان و در بین
فعالین حزب د مکررات است و نادر
مرکز خیانت و بازار حزب مروشی
چه خوب بود اگر این رفقا کمی به
حال خویش و سرنوشت ملتشان
می اندیشیدند و با انداختن
آب دمان به روی خود فروشان

علیرغم ترس و نگرانی ای که با
کتابفروشیهای آمریکا و انگلستان از
اعمال تروریستی طرفداران خمینی
پیش آمده ، شمار خریداران و علاقمندان
کتاب " آیات شیطانی " بسیار بالا رفته و
بنظرمی آید که فروش آن صدها هزار
نسخه افزایش یابد .

در این صورت اگر کتاب سلمان
رشدی بی حرضی به عقاید مسلمانان
محسوب گردد ، به حق باید به
خمینی و طرفدارانش بخاطر خیانتی
که به اسلام و مسلمانان روا داشته اند
تبریک گفت .

دو هر حال وقتی که خمینی در
مورد آزادی بیان و مطبوعات
در انگلستان و آمریکا این چنین
موضع گیری می نماید ، خلقهای جهان
می توانند دریابند که مردم بیلا زده
کشورما در چه خفقان و فشاری بسر
می برند و چگونه تمامی حقوق و
آزادیهایشان پایمال شده است .



به آغوش حزب خود باز می گشتند .

گرامی باد خاطره کنگره
هشتم حزب د مکررات کردستان ،
درود بر تمامی فعالینی که راه پر
افتخار حزب د مکررات کردستان
ایران را ادامه داده و به خاطر
حفظ استقلال حزب در تصمیم گیری
و در راه تامین عد فهای حزب
و مردم کردستان مبارزه کرده و
فرمانی میدهند .





متعاقب تصویب مقررات جدید مبارزه با مواد مخدر و فساد در ایران و در پی دستور خمینی مبنی بر کنار گذاشتن تشریفات قانونی، حقوقی و قضایی پیش از صدور نگر در این رابطه در تهران و سایر شهرهای کشور اقدام شدند.

XXXXXXXXXX

بدنبال موج اقدامهای بی سابقه زندانیان سیاسی در ماههای اخیر و در پی گسترش اعتراضهای مجامع و محافل بین المللی به این اعمال وحشیانه رژیم آخوندی بمنظور سرکوشی گذاشتن بر این جنایات و فریب افکار عمومی ایران و جهان اعلام کرد بمناسبت سالگرد انقلاب عده زیادی از زندانیان را مورد عفو فرار داده و آنها را آزاد خواهد کرد. البته این عفو شامل کسانی خواهد بود که دارای شرایط اعلام شده از سوی هیئت خمینی باشند و زندانیان سیاسی ای را که از ابراز ندامت خودداری کرده اند شامل نمی گردد.

XXXXXXXXXX

روزنامه نیویورک تایمز می نویسد: براساس مدارک موجود در دادگاههای فدرال، ایران

است تا ذخیره محدود مواد شیمیایی لازم برای تولید گازهای سمی را در آن کشور افزایش دهند.

XXXXXX

مساله پایمال شدن حقوق بشر در رژیم آخوندی در کمیسیون حقوق بشر وابسته به سازمان ملل متحد مطرح گردید و در یک گزارش ۴۲ صفحه ای که از جانب این کمیسیون انتشار یافت، پایمال شدن حقوق انسانی بتفصیل مورد بحث قرار گرفت.

XXXXXXXXXXXX

در پایان ماهیست ۷ روزه آقای الیاسون به ایران و عراق، وی ابراز اطمینان کرد که مذاکرات صلح ایران و عراق در آینده نزدیک از سرگرفته خواهد شد. ولی ماهیست او به گشایش فابل ملاحظه های در پس بست مذاکرات صلح نیانجامید و هنوز تاریخی برای از سرگیری گفتگوها اعلام نشده است.

XXXXXXXXXXXX

در ارزیابی از کارنامه دهه ساله رژیم آخوندی در دهمین سالگرد انقلاب، منتظری جانشین موعود خمینی تاکید کرد که حکومت در تحقق بحسیدن به وعده های که ده سال پیش به مردم ایران

بر اساس دعوت قبلی وزیر خارجه ایران، رولان دوما وزیر خارجه فرانسه در راس هیئتی وارد تهران شد. این اولین دیدار رسمی یک مقام بلند پایه فرانسوی از ایران پس از بیرونی کار آمدن آخوندیها است. ولایتی این دیدار را بمنابه یک بازنگری در روابط طرفین خواند. جالب توجه اینکه برخلاف عرف معمول دیپلماسی در مدت اقامت و مسافرت در تهران رسانه های گروهی رژیم مرتباً به سیاستهای دولت فرانسه حمله کرده و حسن نیت مقامات آن کشور را به زیر علامت سوال می کشیدند.

XXXXXXXXXXXX

در پایان گفتگوهای رسمی وزرای کشور ایران و ترکیه در آنکارا، د پروتکل جداگانه در زمینه های همکاری مشترک امنیتی و مبارزه با قاچاق مواد مخدر به امضا رسید. روزنامه های ترکیه نوشتند، یکی از اهداف این پروتکل قطع کمکهای حکومت اسلامی ایران به جنگجویان در ترکیه می باشد.

XXXXXXXXXX

خمینی طی اعلامیه ای حکم

بقیه:

کمیته اجرای فرمان امام!

ارتجاع حاکم فرصت و فراغت بیشتری بدست آورد تا به نحو بی سابقه‌ای زندانیان سیاسی را مورد یورش قرار دهد و هر روز شماری از بهترین فرزندان خلق را بدون بکشاند. هرچند از شمار زندانیان اعدام شده اطلاع دقیقی در دست نیست - لیکن بر مردم ایران و مجامع و محافل بین‌المللی روشن شده است، که در شش ماه اخیر بیش از هزار نفر از زندانیان سیاسی توسط رژیم جنایتکار خمینی اعدام شده‌اند. اما چنین پدیده است کشتار دسته جمعی آزاد یهودیان میهنمان عدلش انسان‌کشی را در نهاد کارگزاران جمهوری اسلامی فرو نشانده و غیریت جمعیاران می‌خواهد ساطور خون چکانش را علیه مخالفین رژیم و در جهت نابود پیمان شتاب بیشتری بخشد. در اواخر دیماه گذشته به این بهانه که "احکام الهی" آنطور که لازم است به مرحله "اجرای فریاد" در نیامده و در مجازات "مجرمین تاخیر روی داده است، بدستور رئیس باصطلاح شورای عالی قضایی در تهران، استانها و شهرها و شهرستانها کشور بنام "کمیته" اجرای فرامین امام" بوجود آمد. کمیته مذکور موظف است هرچند سریعتر مداخله و مجازات‌کنانی را که از نظر جمهوری اسلامی

مجرم تشخیص داده می‌شوند، به مرحله اجرا درآورد. در این ارتباط هم وزیر کشور و هم به اصطلاح دستگاه قضایی رژیم جمهوری اسلامی عسکدار دادند، کسانی که از نظر کارگزاران رژیم آخوندی مجرم تشخیص داده شوند، نمی‌توانند به تاحیر در محاکمه و رسیدگی به جرائمشان امیدوار باشند و باید بدانند که فاصله بین ارتکاب جرم و اعدام ممکن است ده روز بیشتر بطول نیاورد. جالب توجه است که کارگزاران رژیم ریا و تزویر بدانند همیشه خمینی را بعنوان نماینده و وکیل خدا بر روی زمین و حتی او را هم‌شان پروردگار بحساب می‌آوردند این که با وفاحت‌الامام میکنند که برای جرایم و پناه کردن "احکام الهی" قرار است کمیته اجرای فرامین امام بوجود بیاید، بصراحت و آشکارا بیانند آن است که فرمان خمینی را مردمان خدا تلقی می‌کنند و خواسته‌های ضد انسانی‌اش را تجلی اراده خداوند میدانند. صدور این فرمان و تأسیس کمیته‌ای از این نوع برای این است که ذخیعان رژیم جمهوری اسلامی دستشان برای کشتار فرزندان حلقه‌های ایران بازتر باشد. بوجود آمدن چنین کمیته‌ای با وظایف و اختیاراتی که بیان شده است، نشانگر آن است که آخوند عسکری تشنه خون می‌خواهد رنگ شرعی و قانونی به اعدام‌های بی‌مناک

و خود سرانه ازاد یهودیان ایران بدینند. و حتی شدت بخشیدن و شتاب در کشتار مخالفان رژیم را یک وظیفه مقدس مدعی بحساب آورند. اگر پدیده‌های ضد و رایج فرامین امام، بیداد گام‌های رژیم بطوریکه برعهده ما روشن است - تمام خون برآید می‌انداختند و مخالفان را قتل‌عام می‌کردند. اکنون که این عمل ضد خلقی برایشان به یک وظیفه مدعی و اسلامی تبدیل شده است، باید منتظر آفریدن فجایع و جنایات بس‌عولناکتر در ابعاد وسیعتری از سوی جمهوری اسلامی در حق مردم ایران و مبارزین آزاد یخواه آنان باشیم. موج اعدام‌های امسال جنایات عولناک خلجالی را در اولین سال بقدرت رسیدن آخوند همدان در اذعان توجه‌های مردم زنده می‌بندد با این تفاوت که رژیم امسال می‌خواهد تا آنجا که برای شرمند و است با پراکندن موج رعب و فراسر فضای وحشت را در میان توجه‌های مردم دامن زند و به بهانه‌های متغیروت فرزندانتان را به زیر چوهد ارببرد شدت عمل بکار بردن در مورد مجازات‌کنانی که به اتهام قاچاق مواد مخدر دستگیر می‌شوند، هر چند شیوه نادرستی در جهت مبارزه با ترویج فساد و استعمال مواد مخدر است، اما در واقع بهانه‌ایست برای کشتن و از میدان بدر کردن شمار

روزنامه کوردستان، تهران، ایران

بقیه:

چند خبر

مهم ایران و جهان

خواست که آنان را سریعاً مجازات نمایند . همچنین روز ۱۶ یهمن ماه در اعتراض به انتشار کتاب مذکور در ایران عزای عمومی اعلام گردید .

در لبنان دو گروه شیعه مذهبن رقیب "امل و حزب الله" بدنیال تلاش و میانجیگریهای حامیان خویش یعنی سوریه و ایران، پس از یکسال نبرد خونین که طی آن صد ها نفر از

بقیه:

کمیته اجرای فرمان امام!

هرچه بیشتری از مخالفین رژیم خلقهای ایران از جمهوری اسلامی خالطه تلحی دارند و بر این امر واقفند که درگذشته هم رژیم بخشی از مخالفان راتحت لوای مبارزه با فساد و ازین برده است .

با این وصف یاد آوری این نکته به آخوند های حاکم ضروری است ، که اگر اعدام ، کشتار دسته جمعی ، پیگرد ، شکنجه و زندان می توانست جلو مبارزه خلقها را در راه نیل به حقوق و آزاد یهاشان سد نماید ، بسیاری از دیکتاتورهای پیش از

طرفین متخاصم بهلاکت رسیدند ، يك موافقتنامه صلح امضا کردند .

XXXXXXXXXX

در اجرای موافقتنامه ژنو و روز پانزد عم فوریه آخرین گروه از سربازان اتحاد شوروی خساك افغانستان را ترك کردند و به میهن خویش باز گشتند .

XXXXXXXXXX

طی يك کودتای نظامی در جمهوری پاراگوئه در امریکای جنوبی رئیس جمهور این کشور برکنار شد .

XXXXXXXXXX

در ادامه تلاش کشورهای امپریالیستی در جهت تشدید مسابقه تسلیحاتی ، وزیر خارجه بریتانیا در کفرانرا مورد فاعسی

در آلمان غربی ، از پیمان ناتو درخواست کرد که برنامه خود برای مد رنیزه کردن مو شکمهای خسته ای و کوتاه برد را ادامه دهد . وی پروژه مد رنیزه کردن ناتو را يك فرمول برنده معرفی کرد .

XXXXXXXXXXXX

ابراهمیم آکسوی نماینده پارلمان ترکیه از حزب سوسیال دمکرات بخاطر دفاع از خود مختاری کرد های ترکیه ، در پارلمان این کشور از مقام نمایندگی پارلمان به مدت ۲ سال محروم گردید .

و در این رهگذر از هیچ گونه فداکاری و جبهان بازی دریغ نمی ورزند . در حقیقت بیشتر از این هم راه دیگری ندارند ، زیرا زندگی بدون آزادی مفهومی ندارد و آزادی هم بدون مبارزه و قربانی بدست نمی آید . کوتاه سخن اینکه حق گرفتنی است نه دادنی

جمهوری اسلامی در ایران و کشورهای دیگر سقوط نمی کنند و خود این حضرات هم به این زودی در کشوری همچون ایران براریکه قدرت تکیه نمی زنند . علی رغم همه این فشارها و سرکوبها خلقهای ایران و فرزندان مبارز آنان در عزم خود برای سرنگونی رژیم خمینی استوارند

راهی و معای گروه کوردستان ایران

XXXXXXXXXXXX

همه روزه : به دوریل کردی و فارسی

سوخ کوتاه دیدهای :

۶۵۰۷۵ و ۴۱ متر

برنامه : اعلی در ساعت ۱۲/۳۰ الی ۲ بعد از ظهر

عین همین برنامه در ساعت ۵ الی ۶/۳۰ عصر

برنامه : کردی روز بعد در ساعت ۲ الی ۸ عصر

بغیش می گردد .

بقیه :

يك توضیح ضروری ...

معاقب درخواست این عده از دوستان رفیق مبارز دکتر "عبدالرحمن قاسم" که شخصاً در نشست شورای انترناسیونال شرکت کرده بود از سفر اروپا مراجعت نموده است. ما ضمن خوشامدگویی به رفیق در بیرون حزب سوال خوانندگان نشریه "کوردستان" را با ایشان در میان گذاشتیم، ایشان در این مورد اظهار داشتند:

نخست باید بگویم که حزب ما با الهام گرفتن از اصولی که به آن معتقد است سالها است که با بسیاری از احزاب سوسیالیست کشورهای اروپایی و دیگر کشورها روابط دوستانه دارد. در مسافرتها گذشته من با رهبران برخی از این احزاب مانند کرایسکی صدراعظم سابق اتریش و معاون رئیس انترناسیونال سوسیالیست، الوف پالمه، نخست وزیر مرحوم سوئد و لیونل ژوسپن دبیر اول سابق حزب سوسیالیست فرانسه و پیرموروا نخست وزیر سابق و رهبر کنونی حزب سوسیالیست فرانسه دیدارهایی داشته‌ام. بنابراین توصیه این احزاب و دعوت انترناسیونال سوسیالیست که در کنفرانس انترناسیونال سوسیالیست که در ژوئن ۱۹۸۶ در لیما پایتخت پرو تشکیل شد شرکت نمودم. در این کنفرانس با بسیاری دیگر از رهبران احزاب سوسیالیست اروپا و امریکای لاتین آشنا شدم. حزب دمکرات تنها حزب کوردستانی بود که در کنفرانس لیما نماینده داشت. البته همچنانکه میدانید

سوسیالیست عضویت ندارد و من تنها بعنوان مهمان در این کنفرانس حضور داشتم. پس از آنکه گزارش شرکت خود در کنفرانس را به رهبری حزب دادم رهبری توصیه نمود که حزب ما در آینده همکاری خود را با این سازمان بین المللی که پیش از صد حزب از سراسر جهان در آن فعالیت دارند افزایش دهد. بجا است مجدداً یادآوری کنم که هم‌اکنون هفده حزب عضو انترناسیونال قدرت سیاسی را در کشور خود در دست دارند. بطور خلاصه میتوان گفت: پس از آنکه احزاب کمونیست جهان بعلل زیادی موفق به تشکیل یک سازمان بین المللی نگردیدند، انترناسیونال سوسیالیست بزرگترین سازمان احزاب سیاسی جهان بشمار میرود و بهمین علت همکاری با این سازمان برای شناساندن مبارزه حق طلبانه خلق مآدر سطح بین المللی و کسب پشتیبانی سیاسی و معنوی اهمیت بسزایی دارد. گذشته از اینها، انترناسیونال سوسیالیست با سرعت زیادی دارد از چهارچوب اروپایی خود خارج میشود

و بعنوان یک سازمان بین المللی تمام عیار در همه قاره‌ها

فعالیت خود را گسترش میدهد و البته باید گفت که این سازمان بهمان اندازه نیز موضع رادیکال تر و مترقی تری در دفاع از حقوق خلقهای ستمدیده اتخاذ میکند.

در چنین احوالی بسیار منطقی بود هنگامیکه حزب ما را رسماً به شرکت در شورای انترناسیونال سوسیالیست دعوت نمودند، این دعوت را بپذیریم. همچنانکه اطلاع دارید این شورا در روزهای پانزدهم و شانزدهم آذرماه در پاریس منعقد گردید. در این اجلاسیه شورای انترناسیونال سوسیالیست برای نخستین بار نمایندگان اتحادیه میهنی کوردستان نیز شرکت داشتند.

در هنگام تشکیل شورا افکار عمومی جهان و همچنین احزاب سوسیالیست برای پشتیبانی از مبارزه عادلانه ملت کرد پیش از پیش مساعد بود. بجا بود که چند اوضاع مساعدی از شورای انترناسیونال سوسیالیست خواسته شود تا پشتیبانی خود را از خواسته‌های ملی - دمکراتیک خلق کرد اعلام دارد. برای رسیدن به این هدف میبایست چند مشکل را حل نمود. نخست آنکه ما تنها بعنوان مهمان در شورا شرکت داشتیم و نمیتوانستیم مستقیماً پیشنهادی بکنیم. دوم آنکه اصولاً قطعنامه‌های پیشنهادی یک ماه قبل از تشکیل شورا بررسی و برای تصویب شورا آماده شده بود. سوم

برخلاف ادعای کسانی که از سیاست بین‌المللی بی‌اطلاعت و هنوز هم مانند اصحاب کف‌افرواض جهان و موضع‌نیروها را بنا بر معیارهای کهنه و بسیار قدیمی می‌سنجند، «انترناسیونال سوسیالیست یک نیروی دیمکراتیک سیاسی و معنوی بسیار پراهمیت است و بویژه پس از تغییراتی که در سالهای اخیر در اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی دیگر روی داده، همکاری احزاب کمونیست با احزاب سوسیالیست عضو انترناسیونال سوسیالیست هر روز افزایش می‌یابد» و اکنون این سازمان یک نیروی عظیم چپ در سطح جهانی بشمار میرود. بدون تردید تأیید خواستهای ملت کرد از سوی انترناسیونال سوسیالیست موجب خوشحالی همه مبارزان صادق و توده‌های وسیع مردم کوردستان است. و اینکه حزب دیمکرات در تحقق این امر سهم بزرگی داشته از افتخارات حزب ما محسوب می‌گردد.

۲۵ میلیونی کرد نه تنها نباید قربانی روند صلح در خاورمیانه شود بلکه باید از مواهب آن برخوردار گردد. دوم آنکه سه ساله کرد راه حل نظامی ندارد و باید از طریق مسالمت‌آمیز و سیاسی حل شود. سوم آنکه خواستهای ملت کرد در سراسر کوردستان خواسته‌هایی است که در چهارچوب حقوق بشر می‌گنجد و این بدان معنی است که دیگر یک ساله داخلی کشورها نمی‌تواند که در آن کردها زندگی میکنند نیست بلکه مسالمت‌آمیز است که به جامعه بین‌المللی مربوط است. تصویب این سند از سوی انترناسیونال سوسیالیست و سخنانی که ویلی براند رئیس این سازمان جهانی در مورد پشتیبانی از مبارزات خلق کرد ایراد نمود، حائز اهمیت بسیار است. چراکه تأثیر بسزایی در شناساندن واقعیت کوردستان در بسیاری از کشورها بجا خواهد گذاشت.

آنکه برنامه شورای بسیار فشرده و کاملاً پربود. پس از مشورت با بسیاری از نمایندگان و بویژه با دیمکرک انترناسیونال سوسیالیست پیتی وانینگن که او نیز با ویلی براند رئیس سازمان مشورت نمود، قرار شد که نمایندگان سازمانهای کوردستانی متنی را آماده کنند و پیشنهاد نمایند.

تویه این متن به عهده من گذاشته شد که آنرا به زبان فرانسه آماده نمودم و قرار شد که در ساعت آخر روز دوم شورا که هنگام تصویب قطعنامه‌ها است معمولاً همه نمایندگان در جلسه حضور می‌یابند، پیشنهاد ما بعنوان سند انترناسیونال سوسیالیست مورد تصویب قرار گیرد. این امر صورت گرفت و خوانندگان کوردستان از جریان آن آگاهند با خوشحالی باید بگویم که سند همچنانکه آماده شده بود بدون آنکه تغییری در آن داده شود، مورد تأیید قرار گرفت و با کف زدنهای ممتد از آن استقبال شد.

این سند طوری تنظیم شده است که از سوئی خواستهای همه بخشهای کوردستان را در برمیگیرد. و از سوی دیگر خواست اساسی خلق کرد و از جمله حزب ما، دیمکراسی و شناسایی حقوق و هویت ملی در آن گنجانده شده است. همچنین در این سند به سه مسئله اساسی توجه شده است. نخست آنکه ملت

بقیه: وضعیت بهداشت

میهنمان غیر ممکن ساخته‌اند. همه این کمبودها بخصوص هنگامی گسنگی فاجعه‌بار خود را بهتر می‌نمایند که از یک طرف احتیاج بیش از اندازه کشور را بعلت وجود آن همه جروح و معلولان همه بیمار روحی و روانی که به‌رحال نتیجه هر جنگ طولانی و وحشتناکی نظیر جنگ چند سال گذشته است از نظر دور نداریم، و از طرف دیگر به پایین بودن سطح بهداشت و ناآفای و

نارسانا بودن امکانات بهداشت عمومی در سراسر کشور از شهر و روستا توجه نمائیم. مسلم است که در این میان اشاره به وضع ویژه کوردستان هم هیچ لزومی ندارد. چراکه برای رژیم که در سال است سیاست سرکوب و اعدام خلق کرد را در کوردستان همیشه می‌برد و مردم کوردستان را از همه حقوق سیاسی و اجتماعی و انسانی محروم ساخته است، وضع فلاکت‌بار درمان و بهداشت در کوردستان البته یک امر طبیعی است.

ادامه جنایات رژیم دزکردستان

محل اعدام	سال دستگیری	اهل	نام و شهرت
ارومیه	۱۳۲۷	"گیجی" سلماس	۱. حشید کامران
//	۱۳۲۷	"گودل" سلماس	۲. مدنی جهاننده
//	۱۳۲۷	"زیوه" اشنویه	۳. نجیب ابراهیمی
//	—	"بلول آباد" ارومیه	۴. میرزا احمدی
//	۱۳۲۶	"گوگ تپه" مهاباد	۵. حسن محمودی
//	۱۳۲۵	"گیلان" مهاباد	۶. خالد علیپور
//	۱۳۲۴	"زمزیران" سردشت	۷. رحمن مصطفی نژاد

اعدام جمعی زندانیان سیاسی از سوی رژیم ضد خلقی آخوندی همچنان ادامه دارد. و هر روز اخبار جدیدی از اینگونه اعدامها انتشار می یابد.

از آنجا که رژیم خبر این اعدامها را رسماً اعلام نمی کند کسب اطلاعات دقیق درباره شمار این اعدامها و محل اجرای آنها مشکل است. با وجود این بدنیال انتشار نامه های از اعدام شدگان در شماره های قبلی "کردستان" اینک اسامی تعداد دیگری از زندانیان سیاسی را که توسط رژیم اعدام شده اند و به تازگی خبر آنها به رادیو صدای کردستان ایران رسیده است بشرح زیر درج می کنیم:

کمیته اجرای فرمان امام!

زندانیان سیاسی را رعایت و مد نظر قرار دهند. و در این بین راستا حتی قوانینی را که از طرف جمهوری اسلامی بتصویب رسیده است و بنابه ادعای آخوند های حاکم جلوه های از فرامین خدا هستند، پایمال کردند.

متعاقب قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی جمهوری اسلامی و برقراری آتش بر سر در جنگ، ایران و عراق،

رژیم بی مهاباه جان فرزند ان خلق افتاده و در سیاه چاله های فزون وسطایی آنان را تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار داد. هاند و بدون محاکمه یا پس از يك محاکمه تشریفاتیی و چند دقیقه ای آنان را بدو جوخه های اعدام سپرد هاند. در این رابطه هم اصلاً لازم ندانسته اند قوانین مصوبه بین المللی درباره حق دفاع برای

عده میدانیم از آن هنگام که آخوند های ایران با استفاده از سنتت و بی برنامه گی نیروهای اپوزیسیون، دستاورد های انقلاب عظیم خلق های ایران را غضب کرده و برارینه قدرت تکیه زدند، یکی از پایه های اصلی ممانعت از سقوط رژیمشان زندان، شکنجه و اعدام آزادیخواهان و اعضای نیروهای ملی و مردمی میهنمان بوده است. مزدوران